

جشنواره ملی جُم آران

هم آفرینی ملی حلقه های میانی
در راستای شکل دهی حرکت عمومی
در گام دوم انقلا ب اسلامی

جلسات خانگی قرآن



سرکار خانم

منیره طاهری



جلسات خانگی قرآن

صلی الله علیک یا سیدتی یا مولاتی یا فاطمه المعصومه (س)، ان شاء الله که توضیحاتی که می دهم به دردتان بخورد و بتوانیم حرکتی در زمینه بحث جلسات خانگی مان داشته باشیم. خدمت آقای مهرجو عرض سلام دارم ان شاء الله که توضیحاتی که می دهم به دردشان بخورد. عرضم به حضورتان ما مهر ماه ۱۴۰۰ بود که از طریق جبهه فرهنگی [وارد این کار شدیم]، من خودم ۱۰ سالی بود که مربی قرآن مسجد محله مان بودم، حاج آقا کریمیان از جبهه فرهنگی استان با من تماس گرفتند و گفتند قرار است یک جلسه با فعالین قرآنی در جبهه فرهنگی داشته باشیم، من و فرمانده پایگاهمان و یکی از مربیان قرآن در آن جلسه حضور داشتیم، در آن جلسه برای اولین بار از ما خواستند که در محله منظره جلسات خانگی قرآن را برگزار کنیم، محله منظره یک محله کم برخوردار استان چهارمحال و بختیاری است و همه اهالی آپارتمان نشین هستند، مثلاً خانه های ۸۰، ۷۰ متری است، هیچگونه امکانات تفریحی و ورزشی و رفاهی نداشتیم، تنها چیزی که در محله مان بود همان مسجد محله بود و تنها تفریح و کار فرهنگی مان داخل مسجد بود که من بایک گروهی از بچه های نوجوان بین ۱۰ تا ۱۵ سال بحث قرآن را کار می کردم، در مسجد محله کار می کردیم، حاج آقا کریمیان و جبهه فرهنگی به ما گفتند جلسه خانگی قرآن را در محله تان راه اندازی کنید. حدود ۱۰ سالی است که من در شهرک منظره ساکنم، آن موقع ۶، ۵ سال بود [این جا بودم] که وارد جبهه فرهنگی شدیم، زیاد شناختی نسبت به اهالی محل نداشتیم، گفتم حاج آقا امکان ندارد در منظره همچنین کاری انجام شود



چون اصلا استقبال نمی کنند، از فرهنگ های مختلفند، اکثریت آپارتمان نشینند، استقبال نمی کنند در خانه هایشان جلسه باشد، گفتند حالا شما شروع کنید، به خانم حضرت زهرا (س) توکل کنید و کار را شروع کنید. فرمانده پایگاه همان خانم جباری آن جا بود، چون ماه رمضان هم نزدیک بود، نمی دانم چند روز بعدش بود، ما اولین روز ماه مبارک رمضان را با اولین جلسه خانگی قرآن با چهار نفر برگزار کردیم، من، یکی دو تا از مربی ها و خود فرمانده پایگاه همان، جلسات خانگی شروع کردیم و این را با فرماندهان پایگاه های مساجد و بقیه مربیان قرآنمان در میان گذاشتیم و گفتیم همچنین طرحی است و قرار است جلسات خانگی تشکیل شود، با استقبال خیلی خوبی مواجه شد، طوری که در همان ماه رمضان هم نوبت ظهر هم نوبت بعد از ظهر جلسه داشتیم، با توجه به شناختی که از خانم های محل در مسجدمان داشتیم و خانم هایی که داخل مساجد می آمدند، این را تبلیغ کردیم، من، فرماندهان پایگاه ها، مربیان قرآن مساجد تبلیغ کردیم و طوری شده بود که هم نوبت ظهر و هم نوبت بعد از ظهر ۱۰۰ نفر خانم در جلسات می آمدند، اصلا وقت نکردیم منزل اکثریت خانم ها برای جلسات خانگی مان برویم. الان به الطاف خانم حضرت زهرا (س) حدود ۴۵ جلسه خانگی قرآن ثابت داخل محله منظریه داریم، نه تنها محله منظریه، محله مهدیه شهرگل و مهدیه قشقای نقنه، یکی از شهرهای شهرستان بروجن که از محلات کم برخوردارند زیر نظر جبهه فرهنگی استان پوشش دادیم و خدا را شکر جلسات خانگی قرآن ما گرفت.

من تیتروار در مورد جلسات بگویم اگر خواستید توضیح هم بدهم. برگزاری جلسات خانگی در هر روز در محلاتمان بود که الان

محلّه منظریه چهار تا محلّه دارد که هر کدام از این چهار مرحله ۶، ۵ جلسه قرآن خانگی ثابت دارند. شناسایی کنشگران و فعالان و مستعدان قرآنی محلات را داشتیم. آموزش و توانمند سازی مربیان، مربیان قرآن را شناسایی کردیم، سه دوره دوره های تربیت مربی برایشان برگزار کردیم، روخوانی روانخوانی، تربیت مربی، تدبیر، دوره های جذاب سازی نماز برای مربیان، توانمند سازی شان کردیم که بتوانند داخل مدارس محلات هدف هم فعالیت کنند. شبکه سازی کنشگران و فعالان قرآن را داشتیم، شبکه سازی کردیم و با تمام خانم ها و فعالین قرآنی که در محلات کار می کردند را یک گروه تشکیل دادیم، هم از طرف گروه مهدیه و محلات مهدیه و هم از محلات منظریه و هم از محلات قشقای نقنه به عنوان ستاره های قرآنی محلات. بعد سرگروه های هر کدام از این جلسات خانگی قرآن را مدیر کردیم و گفتیم جلسات خانگی قرآنتان و گزارش دهی تان را هر هفته داخل گروه بگذارید که الان هم همین کار را انجام می دهند. یک گروه جداگانه هم به نام سرگروه های جلسات خانگی یا رابطین جلسات خانگی داریم که این ها بخش ارزیابی و راهبری و تعالی شبکه دارند و ما هر ماه با سرگروه های جلسات خانگی قرآن جلسه داریم، اگر مشکلی داشته باشد، اگر ایده داشته باشند با هم مطرح می کنند و در گروه می گذاریم. برگزاری میز هیأت را راه اندازی کردیم، با دختران دهه هشتادی، با ۲۰ تا از دختران دهه هشتادی، من با دختران محلّه خودم و بقیه محلات صحبت کردیم و هیأتی به نام هیات دهه هشتادی ها درست کردیم که خدا را شکر توسط این دخترها خیلی هیأت خوبی شد و گرفت. برای آقای کعب هم توضیح دادم سال ۱۴۰۱ که بود گفتیم یک کاری در محلّه مان بکنیم. چون اکثریت افرادی که در محلّه



ما بودند از روستاها و شهرستان های اطراف آمده بودند، موقع ماه محرم و روز عاشورا و تاسوعا خانه نبودند یا بیشتر به محل خودشان می رفتند یا زیاد داخل مساجد حضور نداشتند. تصمیم گرفتیم کاری کنیم که این ها در هیأت بیایند، یک کار جدید و نویی انجام دهیم که بتوانیم همه افراد و همه محلات را درگیر کنیم چون از جبهه فرهنگی هم به ما می گفتند شما کاری کنید که همه درگیر شوند، حتی آن خانمی که خانه دار است، خانمی که نمی داند، وارد بحث شود، مسئولیت داده شود و این ها بیایند. در گروه ها گذاشتیم و گفتیم خواهرها! چادرهایی که استفاده نمی کنید را به عنوان نذر آقا امام حسین (ع) بیرق پرچم آقا امام حسین (ع) کنیم، چادر من بیرق حسین، با چادرهایتان خیمه گاه درست کنید، می توانید با آن ها پرچم درست کنید، مقدار زیادی پارچه چادری آوردند به ما تحویل دادند، ما از چادرها پرچم درست کردیم، می خواستیم یک کار ابتکاری باشد که خود بچه ها مسئولیت داشته باشند و کارشان را انجام دهند، خودشان یک کار خلاقانه ای داشته باشند و وارد کار شوند، بچه ها پرچم هایی درست کردند و مثلاً یک نفر که خطش خوب بود روی آن ها خطاطی می کرد، یا اباعبدالله الحسین می نوشت. با یکسری از چادرها هم خیمه درست کردیم، خانم هایی که خیاط بودند را داخل مساجد جمع کردیم.

خانم هایی که خیاط بودند، داخل مساجد جمع کردیم، گفتیم خواهران! بیاییم یک خیمه درست بکنیم و ما حدود یکسری خیمه های کوچک، یکسری خیمه های بزرگ، یکسری پرچم هایی با این ها درست کردیم؛ وسط شهرک «منظریه» آمدیم یک میدانی بود، یک میدان بزرگی بود، آمدیم این را کردیم خیمه گاه. و می دیدیم که عابرنی که می آمدند

از آن جامی رفتند، خودشان یکی برایمان شربت می آورد، یکی کمکان می کرد، خود آقایان می آمدند می ایستادند کنارخیابان، ممکن بود چهار، پنج ساعت فقط می ایستادند ما را تماشا می کردند. ما یک اسپیکر هم آن جا گذاشته بودیم، مداحی هم پخش می کردیم و کارهایمان را انجام می دادیم با بیست نفر از بچه ها، با چهار، پنج نفر از خانم ها، ولی خب همه ی خانم های جلسات خانگی قرآن هم بهمان کمک می کردند.

خدا را شکر طوری شد که ما شب تاسوعا و روز عاشورا حدود هزار نفر از اهالی محلات «منظریه» آن جا جمع شده بودند؛ یعنی اصلا سابقه نداشت در محله ی ما چنین کاری انجام بشود. خود آقایان می آمدند مشارکت می کردند، یکی می آمد می گفت خانم! ما حدود مثلا در یک روز، پنج، شش تا دیگ آش می گذاشتیم. یک خانمی می آمد می گفت که من نذری آش دارم، یکی می آمد می گفت من نذری مثلا برنج دارم، هرکسی، یعنی اصلا ما نمی دانستیم این نذری ها از کجا می آید؟! یعنی به هیچ عنوان، ما حدود هفتاد، هشتاد میلیون فقط نذری پول جمع کردیم، نذری حالا غذا و این ها که حالا باز خودش می خواهد، (دقیقه ی ۱۱:۲۹) هزار و دویست تا غذا فقط شب تاسوعا حالا پخش و توزیع شد. مداح خودش می آمد می گفت من می خواهم بیایم داخل مثلا، نذر دارم بیایم داخل مثلا موبک شما مداحی بکنم و خلاصه خیلی کار جذاب و خوبی شد. حالا ما دو سال هست که داریم این کار را انجام می دهیم در محله ی «منظریه» خدا را شکر.

برگزاری میز «نهج البلاغه خوانی» را آمدیم راه اندازی کردیم با دختران دهه ی هشتادی، و فوق العاده استقبال خوبی شد. شناسایی هیئت ها و روضه های خانگی فعال در محله مان را داشتیم، که الان داریم اردوهای

تفریحی، چندین دوره «مشهد» بردیم، چندین دوره «قم» بردیم، زیارت شهید «حججی» بردیم، حالا «اصفهان» زیارت_اسمش هم یادم رفته است_ شهدای «اصفهان» حالا، «تخت فولاد اصفهان» بردیم؛ افتتاح دومین صندوق قرض الحسنه ی جلسات خانگی با وام پنجاه میلیونی را در جلسات خانگی مان برگزار کردیم؛ ساماندهی هسته های نوجوان، شناسایی ظرفیت هایشان، استعدادهایشان؛ قرار شده است که یک جلسه ی خانگی قرآن مخصوص نوجوانان دختر در محلات ماراه اندازی بشود؛ افطاری های محله ای، افطاری های خانگی، روزه های خانگی؛ حتی ما طوری شده بود که در ماه محرم، روزه هایمان را گفتیم خواهران یک کار ابتکاری دیگر انجام بدهیم، بیرون ساختمان هایمان، روزه ی هرکسی بیرون ساختمانش، یک روزه ی خانگی داشته باشد. هم افراد جذب می شوند، هم آن هایی که در خیابان هستند، رد می شوند، ببینند؛ طوری شده بود که در همه ی محلاتمان روزه های محله ای بیرون ساختمان راه اندازی کردیم؛ در ماه مبارک رمضان امسال تبلیغ پویش «ستاره های زمین»، برگزاری جلسات خانگی قرآنمان در نمازهای جمعه و مدارس دخترانه را داشتیم، حدود هشتصد جلسه ی خانگی قرآن، امسال فقط در محلات «مهدیه» و «منظریه» ثبت جلسات خانگی شد؛ دوره می روزه اولی ها را امسال ما داشتیم، با حضور پانصد نفر از بچه های روزه اولی، با همکاری پایگاه های بسیج و کمک های مردمی؛ یعنی ما هیچ کمکی از هیچ سازمانی نداریم، فقط کمک های مردمی و پایگاه های بسیج.

محافل انس با قرآن را آمدم در مدارس راه اندازی کردیم. معلمانی که در مدارس بودند را گفتیم خب زنگ های تفریح بیایید بنشینیم جلسات خانگی، جلسه ی قرآن برگزار بکنیم. و استقبال خوبی شد. هم

برای بچه ها، هم برای معلمان. سرکشی جلسات خانگی قرآن بود، اهدای هدیه به سرگروه ها و مربی جلسات خانگی قرآن بود. حدود پانزده جلسه ی خانگی جدید قرآن، فقط امسال، در ماه رمضان امسال، افتتاح شد و اهدای پرچم داشتیم به بانیان جلسه.

گفتیم که سعی می کنیم که هر ساختمانی یک جلسه ی خانگی قرآن برگزار کند؛ چون خدا را شکر حالا تا حدودی در هر محله ای می گویم، پنج، شش تا جلسه ی خانگی قرآن ثابت ما داریم؛ ولی باز به آن چشم اندازی که ما می گوئیم هر ساختمانی، حالا بعضی ها شاید اطلاع نداشته باشند، هر ساختمانی، یک جلسه ی خانگی قرآن بشود و یک نفر به عنوان سرگروه انتخاب بشود.

باتوجه به هر مناسبتی، چه شهادت ها، چه ولادت های ائمه (علیهم السلام)، ما برگزاری روضه و مولودی در تمامی جلسات خانگی قرآنمان داشتیم. در راهپیمایی های روز «قدس»، با پرچم جلسات خانگی قرآن، ما هر راهپیمایی ای بود، پرچم جلسات خانگی مان را به عنوان تبلیغ، حالا استفاده می کردیم. قرار شده است که ان شاءالله جلسات خانگی قرآنمان را داخل پارک ها برگزار بکنیم تا هم یک تبلیغی باشد برای جلسات خانگی قرآن، هم یک تبلیغ عفاف و حجاب بشود. حالا این ایده ها و این کارهایی بود که حالا من انجام دادم، حالا اگر باز توضیحاتی هست که من خدمتان عرض بکنم.

فقط اینکه سوالی که داشتم، اینکه حالا در ایام دهه ی کرامت و این ها هم باز از این دست برنامه ها دارید؟

بله! دهه ی کرامت را ما آمدم با پایگاه های بسیج تمامی محلات «منظریه» هماهنگ شدیم، یک برنامه ای برای ولادت خانم حضرت

معصومه (س) در فرهنگسرای بزرگ «شهرکرد» (اسم شهر نامفهوم دقیقه ۱۵:۵۰) اجرا کردیم، حالا من کلیپش را خدمتان می فرستم. قرار شده است امروز هم ساعت چهار، ما منزل یکی از شهدایمان باشیم با دختران دهه ی هشتادی، و حالا جشن ولادت را آن جا داشته باشیم، یکسری هدایایی تقدیم بچه های دختران فعالمان داشته باشیم؛ بعد برای ولادت آقا امام رضا (ع) هم ان شاءالله قرار شده است که موکب بزنیم.